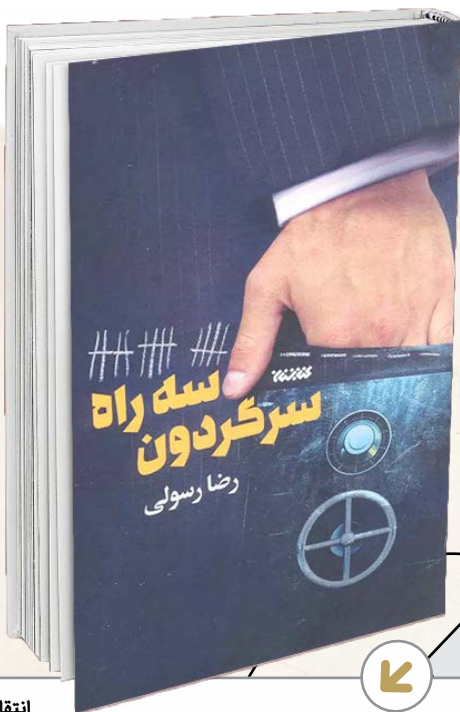


فوت و گو کردیم؛ «سهره سرگردون»

## عدالت طلبانه بود

بوثر است که قدیمی و کهنه نمی شود. از دکتر رضا رسولی دعوت کردیم تا پشت میز گفت و گو ما بنشیند. دل تان بنشیند.



## انتقاد؛ پایه و اساس پیشرفت

■ از این حیث به عنوان کسی که اعتقاد دارد «انتقاد» پایه و اساس پیشرفت جامعه است و اساسا اگر امام (ره) به وضع اداره کشور انتقاد نداشت انقلابی شکل نمی گرفت. بعد از پیروزی انقلاب هم همین نگاه انتقادی به نظام اداره کشور، موجب شکل گیری نهادهایی نظیر سپاه و جهاد سازندگی و ... شد. بنابراین من با دوستانی که می گویند همواره باید خوشحال باشیم و به همه چیز خوشبین هستیم، مخالفم. ما همه اش نباید خوشحال باشیم بلکه همیشه باید امید را به جامعه تزریق کنیم و در کنار آن، آسیب ها و آفت های نظام اداری باید ما را نگران کند. من بارها به دوستان ایده پرداز در بحث بین الملل گفته ام همان طور که با استکبار جهانی مبارزه می کنید باید با استکبار اداری هم بجنگید تا شاهد اتفاقات ناگوار نباشیم. بنده در جایگاه یک معتقد به نظام جمهوری اسلامی اصرار و تأکید دارم که نقد درون گفتمانی عصای دست نظام است. به همین دلیل علاقه داشتم که تجربیات ۲۰ ساله خودم تا زمان تألیف کتاب را با زبان ادبیات برای مخاطب بیان کنم.

## مسئله سهره سرگردون چیست؟

■ من از سال ۷۶ در نظام اداری کشور مشغول خدمت هستم. در این مدت هم فضای دستگاه های فرهنگی را تجربه کرده ام و هم در دستگاه های دیگری مثل وزارتخانه صنایع حضور داشته ام و در دوره های مختلف فرازاها و فرودها، تغییرات سازمانی، تحولات و ماجراهای بسیاری را دیده ام. در کنار نقاط قوت درخشانی که سیستم اداری ما به اعتبار آدم های متدین و صالح یا به یک معنا حزب اللهی ایجاد شده با موضوعات و مشکلات متعددی مواجه بوده ام. مشکلاتی که به صورت فرسایشی هم مردم را آزار می دهد و هم به یک آفت برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است و اگر به شکل سیستماتیک کنترل نشود، اتفاقات منفی بزرگی را برای نظام رقم خواهد زد. پدیده هایی مثل آقا زاده ها، رانت خواری و روابط فامیلی که ریشه آن را باید در خانواده جست و جو کنیم. اعتقاد دارم که بخش مهمی از فساد مالی ریشه در فساد فرهنگی و خانوادگی دارد.

## بخش و ادبیات دینی

ت. آنجا که خدا در می فرماید: «نحن» م در دنیای مدرن تنائی در قالب های مثال شما از روی رید و بعد آن را به چاکلیدی، لباس و بگی تبدیل شود. من هم با نگاه به بیم انتخاب کردم.

## نخواستیم در این کتاب حزب اللهی مُرده باشیم!

■ متأسفانه نظام اداری ما حزب اللهی منتقد که دنبال حل مشکل باشد را بر نمی تابد. من خواستم در این کتاب حزب اللهی مرده باشم؛ صراحت کلام دیا لوگ ها هم برای همین است. در این رابطه باید از وزارت ارشاد هم تشکر کنم که مته به خشخاش گذاشت و اجازه داد رمان حرفش را بزند. شخصیت کیان ابعاد دیگری هم دارد. این همه بی تابی در بین مردان جامعه و میل به توسعه روابط عاطفی برای چیست؟ برای این که مرد در خانواده خودش به آرامش عاطفی نرسیده و متأسفانه «لتسکنوا الیها» را که قرآن می گوید ازدواج کنید تا در کنار همسران تان به آرامش برسید، در برخی خانواده های ایرانی محقق نشده است. کیان رمان بنده می خواهد این قسمت از واقعیات جامعه را به خواننده اش نشان دهد. اگر مرد جامعه دچار آوارگی عاطفی شود خیلی ساده به دام می افتد. برخی از مخاطبان به من می گویند که سهره سرگردون «زن ستیز» نوشته شده در حالی که اصلا این طور نیست و فقط واقعیت های جامعه را نشان می دهد.

## از روم می روم!

■ «کیان» در رمان «سهره سرگردون» با یک زن ستیزه جو، لجوج و غیرهمراه زندگی می کند. همین زندگی بدون مهر و محبت سبب می شود که «الله» به او نزدیک شود و مسیر زندگی اش را تغییر دهد. من شخصیت کیان را از روی خودم نوشته ام؛ بله جنگندگی، بی محابا بودن، شجاعت و سرنترس داشتن کیان که همواره او را به دردسر می اندازد را از شخصیت خودم وام گرفته ام. امیدوارم این حرف ها تعریف از خود تلقی نشود. یک روز در جلسه هیات مدیره انجمن قلم خانم راضیه تجار که تازه این کتاب را خوانده بود می گفت من در تمام دقایقی که کتاب را می خواندم خود شما را در کیان می دیدم. خود من هم در نظام اداری عقل معاش ندارم؛ از صبح تا شب با فساد می جنگم آخر سر هم یا حکم عزلم را به دستم می دهند یا هرطوری که شده یک زخمی به من می زنند. من هم از روم می روم و باز فردا صبح برمی گردم برای به کرسی نشاندن حرف امام و انقلاب و شهدا.

## دوست دارم کتابم را به تمام مقامات عالی کشور تقدیم کنم

■ روی طرح جلد سیاه کتاب ما یک کت و شلوار به کنایه از مدیران اتوکشیده می بینیم که دستش را فرو کرده در جیبش. جیب آن شخص به شکل یک گاوصندوق طراحی شده تا نشان دهنده بیت المال باشد. نقدهای متهورانه و جدی سهره سرگردون به نظام دیوانی کشور، آقا زاده ها، خلاهای عاطفی و جنسی، مشکلات خانوادگی، نظارت و نظایر آن سبب شد که مردم از خواندن آن لذت ببرند. کتابخوان های حرفه ای نقدهای شفاهی و رسانه ای مثبتی هم درباره کتاب نوشتند که برای خود بنده دلگرم کننده بود. در مجموع مخاطبان بازخورد خوبی به سهره سرگردون از خودشان نشان داده اند و به نظرم کتاب را دوست داشتند. بنده اگر همین امروز بخواهم دوباره سهره سرگردون را بنویسم، همین چیزی را که هست با ویرایش اندک وقایع و زمان بیشتر می نویسم. من دوست دارم کتابم را به تمام مقامات عالی کشور از جمله رهبر انقلاب و سران سه قوه و مقامات اجرای کشور در رده های مختلف تقدیم کنم.

## نمی خواستم یک اثر شعاری خلق کنم

اس قصه بوده و هنر یک نویسنده این است با روایت مدرن یا روایت زیبا قاطب را به دنبال خودش بکشاند. من نمی خواستم یک اثر شعاری خلق عناصر و لوازم نویسندگی بی بهره باشد. هر اثر ادبی هم در قالب و هم در مخاطب «عام» و «خاص» دارد. شما از این منظر نگاه کنید که یک سری بد و جذاب ادبی برای جذب مخاطب شکل می گیرند. تنوع و تعدد فضاها رمان اعم از خانه، اداره، خودرو، خیابان، پارک، رستوران، جاده، شمال و رسیدن به همین منظور است. درواقع من می خواستم مخاطب بتواند زمان پیدا کند. بنده به استفاده از نمادها و سمبل ها در کتاب هم توجه داشتم تا بهتر و بیشتر روی مخاطب اثر بگذارد.